

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در **گزارش** ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

نویسنده: فری بتو

فرستنده: عثمان حیدری

۱۱ مارچ ۲۰۱۵

برای یک انسان‌گرایی جدید



علی رغم خوش‌بینی‌هایی که با ظهور مدرنیته ایجاد شد، نمی‌توان ادعا کرد که انسان‌گرایی برجسته شده است .

انسان‌گرایی به چه معناست؟

این جریان فکری که از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی ظهور کرد، بر کرامت انسان تأکید داشت و از اثر "خطابه‌ای درباره کرامت انسان" (۱۴۹۶) نوشته جوانی پیکو دلا میراندولا الهام گرفته بود. این جریان درک بهتری از تفاوت‌های میان انسان‌ها و ارزش وجود فردی ایجاد کرد و نیاز به محدود کردن قدرت‌های سیاسی و مذهبی را برانگیخت .

تمام تاریخ بشریت با همزیستی خار و گندم، انسان‌گرایی و بربریت، عقل و غریزه مشخص شده است. فرهنگ و آگاهی از این که دیگری نیز موجودی دارای حقوق است و نیاز به مراقبت دارد، شرایط اساسی بقاء هستند که مانع از جنگیدن انسان‌ها مانند حیوانات وحشی می‌شوند .

این امر از روحیه ذاتی ما ناشی می‌شود، حرکتی که به سمت خود بازمی‌گردد تا در دیگری به عنوان امر متعالی و در دیگران به عنوان دیگری تمرکززدایی کند. از این رو، کتاب‌هایی مانند کتاب مقدس، انجیل، قرآن، تائو ته‌چینگ، بهاگواد گیتا و بسیاری دیگر از کتاب‌های مقدس همچنان به روز و مورد توجه هستند .

علی رغم خوش بینی‌های ناشی از ظهور مدرنیته، نمی‌توان گفت که انسان‌گرایی غالب شده است . در ۵۰۰ سال گذشته، شاهد قتل عام میلیون‌ها بومی در امریکای لاتین و تجارت برده‌های آفریقائی به قاره‌مان بوده‌ایم. در برزیل، نظام برده‌داری به مدت ۳۵۰ سال ادامه یافت ! در کنار پیشرفت‌های علمی، مانند مطالعه عمیق منشأ گونه‌های انسانی و گشودن جعبه پاندورای ذهن انسان به لطف تحقیقات فروید، ابزارهای جنگی مانند بمب‌های اتمی ساخته‌ایم که قادرند بارها و بارها تمام حیات روی سیاره ما را نابود کنند .

نئولیبرالیسم، که بر انباشت خصوصی ثروت متمرکز است، ایدئولوژی ضد انسان‌گرایی را ترویج می‌کند که سعی در طبیعی جلوه دادن نابرابری‌های اجتماعی، تفاوت‌های قومی و در نهایت مبارزه طبقاتی دارد. این امر، همراه با فقر و فلاکت، باعث ایجاد آسیب‌شناسی اجتماعی مانند افسردگی ناشی از ریشه‌کن شدن از جامعه و از دست دادن حس جمعی می‌شود .

انتقادات پاپ فرانسیس از سرمایه‌داری صرفاً از دیدگاه ایدئولوژیک ناشی نمی‌شود، بلکه از دیدگاه اکو-انسان‌گرایانه او سرچشمه می‌گیرد .

پروژه تمدنی که در قرون پانزدهم و شانزدهم در اروپا آغاز شد، از حد تحمل فراتر رفته است. دو دختر محبوب مدرنیته - علم و فناوری - دیگر اهداف خود را بر رفاه انسان متمرکز نکرده‌اند، بلکه به دنبال سود و سلطه بیشتر بر یک دیگر هستند .

اسطوره مفهوم بی‌عیب بی‌طرفی علمی زمانی فروپاشید که ایالات متحده در سال ۱۹۴۵ دو بمب اتمی بر روی جمعیت هیروشیما و ناگازاکی پرتاب کرد. علم و فناوری در خدمت مرگ قرار گرفتند، امری که با تخریب طبیعت تشدید می‌شود .

ورثکستگی مدل تمدنی فعلی، که تحت سلطه سرمایه‌داری است، در دو واقعیت به وضوح آشکار می‌شود: تخریب اکوسیستم‌ها و محرومیت بیش از یک میلیارد انسان از شرایط زندگی شایسته، محکوم به فقر و فلاکت .

در این راستا، جست و جو برای یک پروژه تمدنی جدید و مخالفت با سرمایه‌داری یک مسأله اخلاقی است. انسان‌زدائی تدریجی انسان نتیجه دیدگاهی تقلیل‌گرایانه است که فردگرایی را تقویت می‌کند، امری که بی‌اعتناء به امر متعالی و بی‌تفاوت به حفظ محیط زیست است، بر اساس معیارهای پایه‌های عقلانیت مدرن. از این رو، اهمیت یک انسان‌گرایی جدید که دارای روحیه پسامذهبی، سکولار و عمیقاً متمرکز بر دیگری در رابطه با همسایه و طبیعت است، آشکار می‌شود .

دو نمونه خوب از این دیدگاه انسان‌گرایانه جدید، "زیستن خوب" بومیان آند و اکولوژی جامع هستند. رنسانس - با افزایش و روشن‌فکرانی مانند دیدرو، ولتر و روسو، بی‌پروائی مارکیز دوساد و روان‌شناسی فروید - آزادی مردان و زنان را برای شورش علیه دگم‌ها و ستم‌ها، زیر سؤال بردن هر یقین، فرمان یا ارزش، و اعلام آزادی برای رهائی روح و جسم ستود. اما آیا اصول اخلاقی که بر همزیستی اجتماعی حاکم بود، زمانی که "ما" هنوز جای خود را به "من" نداده بود، حفظ شد یا برانداخته شد؟

به نظر من، در مرکز رهائی انسان از خدایان، پاپ‌ها و پادشاهان، تأکید بر فرد به فردگرایی افراطی منجر شد. میل جای عقل را گرفت، و امروز بشریت در خطر گروگان گرفتن توسط قدرتی دیگر است که به شکلی ظریفتر و خورنده‌تر از ارزش‌های ما ظاهر می‌شود: اتوماسیون .

فناوری‌های دیجیتال جدید زنجیرهای مجازی هستند که ما را از جمعیت ر بوده و در طاقچه‌هایی نگه می‌دارند که در آن تنوع با نفرت روبرو می‌شود و اتفاق نظر اعضا به عنوان پساحقیقت جشن گرفته می‌شود. باید انسان‌گرایی فرانسیس آسیزی را نجات دهیم، که به دنبال "نه چندان فهمیده شدن، بلکه فهمیدن"، "نه چندان دوست داشته شدن، بلکه دوست داشتن" بود.

در کمدی الهی خود، دانتی آلیگیری با نشان دادن این که انسان‌گرایی زمانی وجود دارد که ما از طریق اختراع زبان‌های جدید از زبان فراتر می‌رویم، الهیات را بنیان نهاد، همان‌طور که خودش با نوشتن به سبکی جدید در زبان ایتالیایی رایج و اختراع نئولوژیسم‌ها این کار را انجام داد. "فراتر رفتن از انسان در انسان"، همان‌طور که دانتی گفت، راهی به سوی حقیقت خواهد بود. پیوند دادن - به معنای "اتحاد" - امر الهی با امر انسانی. چیزی شبیه به آنچه گیمارائس رزا در "گران سرتانو: وردها" انجام داد.

پس از هولوکاست و گولاگ، و پس از ۳۵۰ سال برده‌داری و قتل‌عام ۷۰ میلیون بومی (بارتولومه د لاس کاساس)، انسان‌گرایی وظیفه دارد مردان و زنانی را که به عنوان قربانیان صرف رنج کشیده‌اند، به یاد آورد. متن زیر را که به یاد والتر بنیامین در کتاب "هنر کاشت ستاره‌ها" (روکو) نوشته‌ام، بازتولید می‌کنم. بنیامین به ما هشدار داد که هرگز قربانیان را فراموش نکنیم:

"فرشته تو اصرار دارد به عقب نگاه کند و آنچه را که ما نمی‌بینیم، مگر از طریق چشمان او ببینیم: میدان وسیع اجساد گمنام، نجاران کشتی‌های اسکندر مقدونی، سفالگران کلیساهای قرون وسطی، رعایای تمام پادشاهی‌ها، عظمت‌ها و قدرت‌ها. اینجاست که تاریخ گهواره، متن و قیمت خود را می‌یابد. در این اجساد فراموش‌شده، سرکوب‌شده، تکه‌تکه‌شده، شکست‌خورده و جارو شده است که حافظه تو، مانند معجزه‌ای که حزقیال توصیف می‌کند، تکه‌ها را جمع می‌کند و بدن را بازسازی می‌کند، بدن تاریخ، بدنی متراکم و غیرقابل حذف از حقیقت".

"تو خوب می‌دانی که برای انجام یک انقلاب به نیروی مستی نیاز است، زیرا فرشته تو روشن‌بین و ناتوان است. بازگشت به گذشته غیرممکن است، اما سعی کن آن را در حال حاضر نجات دهی، حتی اگر قربانیان همچنان بدون رستگاری باشند، مگر رستگاری حافظه احترام‌آمیز. بسیاری خواهند گفت که این‌ها شرایط، قربانی‌های اجتناب‌ناپذیر، قتل‌های کوچکی هستند که دلایل بزرگ را توجیه می‌کنند. اما تو، نگهبان دروازه عدن، اجازه نده که فریب سیب‌های قرمزی را بخوریم که با بوی خوش به سوی ما دراز می‌کنند، کسانی که به نام پیشرفت ترجیح می‌دهند گورستان‌ها را پرورش دهند."

"تو نور عقل ما در این زمانه حماقت و بی‌عقلی هستی. در آن، اثر تو ما را به فرشتگان، سرافین‌ها و بنیامین‌ها تبدیل می‌کند."

۱۰ مارچ ۲۰۲۵